



تذکره رهبر انقلاب درباره اقتصاد کشور

کشور را معطل دشمن نکنید

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، دور جدید تحریم‌ها علیه ایران را آغاز کرد. تحریم‌هایی که ایران را دقیقاً به قبل از توافق هسته‌ای موسوم به برجام بازمی‌گرداند. تحریم‌های نفتی ایران نیز مهم‌ترین سرفصل اقدامات اقتصادی مقامات آمریکایی در یکی دو سال اخیر بوده است. راهکار مقابله با این اقدام خصمانه دشمن اما همانگونه که گفته شد، کار چندان پیچیده‌ای نیست. راهکار درست، آنچنان که تجربه‌ی اقتصادهای پیشرفته‌ی دنیانشان داده و اقتصاددانان داخلی نیز بر آن تأکید کرده‌اند، حداقل چند سرفصل کلی دارد:

اول، «افزایش تولید ملی» است. «کلید حل مشکلات اقتصادی کشور و مسائل اقتصادی کشور، مسئله‌ی تولید است... اشتغال را به وجود می‌آورد، بیکاری جوان‌ها که مشکل بزرگی است با اشتغال از بین می‌رود، ثروت ملی به وجود می‌آید، رفاه عمومی به وجود می‌آید؛ حتی پیشرفت علمی به وجود می‌آید؛ وقتی تولید رونق پیدا کند، کارخانجات، دستگاه‌های صنعتی، دستگاه‌های کشاورزی، احساس احتیاج می‌کنند به شیوه‌ها و روش‌های علمی، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی می‌شوند، رونق علمی هم به وجود می‌آید؛ یعنی کلید حل مشکلات اقتصادی کشور، عبارت است از مسئله‌ی رونق تولید.» ۹۸/۸/۱۲

دوم، رجوع به «ظرفیت‌ها و استعدادها داخلی». «لان مراجعه‌ی به جوان‌هایی که اهل ابتکارند، از طرف دستگاه‌های گوناگون دولتی زیاد شده؛ دستگاه‌ها و مجموعه‌های جوان، مثل جهاد دانشگاهی و غیر اینها، مجموعه‌های خوبی هستند که توانایی‌های زیادی دارند و همواره منتظرند کسی به اینها مراجعه کند، از اینها کار بخواهد؛ خیلی اوقات به ما شکایت می‌کردند که دستگاه‌های دولتی از ما کار نمی‌خواهند، کاری را که تولید کرده‌ایم از ما نمی‌خرند، دریافت نمی‌کنند؛ می‌روند سراغ بیگانگان.» ۳۴

اقتصادی داخلی و خارجی را به مراتب بیشتر می‌کند. در جنگ‌های اقتصادی که دیگر در جهان پرتلاطم امروز امری شایع و فراگیر شده، دشمن مانند جنگ نظامی، دقیقاً به مواضع شکننده‌ی حریف حمله می‌کند. مثلاً مقامات آمریکایی به خوبی دریافته‌اند که اقتصاد ایران، وابستگی شدیدی به نفت دارد و بیش از ۵۰ درصد درآمدهای دولت، از طریق فروش نفت است، پس برای ضربه زدن به اقتصاد ایران، فقط کافی است مانع فروش نفت ایران شوند.

اما با نگاهی به تاریخ اقتصادهای پیشرفته‌ی دنیا می‌توان دریافت که تقریباً هیچ کشوری بدون مواجهه با چالش و تهدید داخلی یا بیرونی، مسر پیشرفت و توسعه‌ی اقتصادی را طی نکرده است. در حقیقت آن چیز که موجب پیشرفت یا پسرفت کشور می‌شود، وجود چالش و تهدید نیست، بلکه «چگونگی مواجهه» و برخورد با آن چالش است. مثلاً سال ۸۹، مقامات آمریکایی در تداوم طرح‌های تحریمی خود علیه ایران، با درک درست از این موضوع که بخش عمده‌ای از بنزین ایران از طریق واردات تأمین می‌شود، تصمیم گرفتند که صادرات بنزین به ایران را هم تحریم کنند تا از این مسیر، نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی را در ایران گسترش دهند. ایران اما در مقابل، بلافاصله با بازطراحی پالایشگاه‌های پتروشیمی، و افزایش توان و ظرفیت داخلی، بنزین مورد نیاز را در داخل کشور تأمین کرد. در واقع، مسئولین ایرانی موضوعی که می‌توانست بحرانی جدی برای امنیت ملی کشور محسوب شود را با چگونگی مواجهه‌ی درست با آن، تبدیل به یک فرصت استثنائی برای کشور کردند.

پنج راهکار برای حل مشکلات اقتصادی

درست یک سال پیش، یعنی ۱۱ آبان ۱۳۹۷ (۴ نوامبر ۲۰۱۸)،

۱- اوایل دهه‌ی ۳۰ شمسی، و در دولت مصدق، با توجه به کاهش درآمد نفتی کشور و تحریم‌های بیرونی، وضعیت اقتصادی و مالی ایران به مرز بحرانی رسید. دولت مصدق، برای رهایی از این بحران، سه اقدام را در دستور کار قرار داد: اول انتشار اوراق قرضه‌ی ملی، دوم چاپ پول، و سوم در انتظار کمک‌های مالی دولت آمریکانشستن. از بین این سه، مصدق تصور می‌کرد که اقدام سوم، یعنی دریافت کمک مالی از آمریکا راهکار بهتر و مهم‌تری است. برای همین در سفر ۴۵ روزه‌ی خود به آمریکا، این خواسته را مطرح کرد و مک‌گی، معاون وزیر خارجه‌ی وقت آمریکا نیز قول وام ۱۲۰۰ میلیون دلاری را به او داد. این قول اما هیچگاه عملی نشد و نه تنها مصدق به آرزوی خود نرسید، بلکه بر اساس یک طرح کودتای آمریکایی، علی‌رغم هشدارهایی که آیت‌الله کاشانی پیش از این به او داده بود، دولت او سرنگون شد. جالب آنکه ۱۷ روز بعد از سقوط دولت مصدق، زمانی که آمریکایی‌ها مطمئن پیدا کردند که اوضاع ایران به نفع آنان تغییر کرده، با دستور آیزنهاور، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، ۴۵ میلیون دلار در اختیار دولت نظامی و ضد مردمی تمیسار زاهدی قرار دادند!

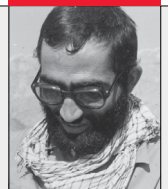
کشور ها با چالش پیشرفت می‌کنند

۲- معمولاً اقتصادهای وابسته به منابع طبیعی چون نفت، به دلیل آنکه به درآمدهای هنگفت ارزی ناشی از فروش آن دسترسی پیدا می‌کنند، کمتر به فکر اصلاح ساختارهای معیوب یا جایگزینی درآمدهای ارزی از منابع دیگر می‌افتند. از طرفی دیگر، وابستگی اقتصاد کشور به این تک‌محصولات، امکان تأثیرگذاری شوک‌های

یک ملت اگر معنای شهادت را فهمید، آن وقت می‌تواند با استقلال زندگی کند | این شماره تقدیم می‌شود به روح مطهر شهید محمد اسلامی نسب*

فهم معنا و مفهوم شهادت، هم به زندگی مادی و هم به زندگی معنوی انسان کمک می‌کند. یک ملت، اگر معنای شهادت را فهمید و دانست که برای آرمان‌ها چگونه می‌شود رفت و جان فدا کرد، آن وقت می‌تواند بی‌دغدغه و با استقلال زندگی کند؛ زیرا مرگ دیگر مانعی برایش نیست. ۷۵/۲/۲۶۰

* شهید محمد اسلامی نسب، از فرماندهان مؤثر در آزادسازی شهر سوسنگرد دبود.



عدالت طلبی به ساز و کار نیاز دارد

عدالت طلبی به این نیست که انسان رودر روی کسی بایستد و بگوید تو عدالت طلب نیستی؛ نه، این ساز و کار دارد. باید جامعه به نقطه‌ای برسد که سیاست‌های عدالت طلبانه در آن طراحی شود و دستگاه اجرایی طوری باشد که سیاست‌های عدالت طلبانه فرصت عملیاتی شدن و اجرایی شدن پیدا کند؛ و الا خیلی سیاست‌های عدالت طلبانه هم مطرح می‌شود؛ اما ساز و کار، آدم‌ها، مهره‌ها، قلم به دست‌ها و امضاء کننده‌ها یا علاقه ندارند، یا اعتقاد ندارند، یا همت ندارند، یا حال و حوصله ندارند، یا از همان قبیل «برو با دلت خوشه» است؛ لذا کارها متوقف و لنگ می‌ماند؛ بنابراین آن جاها را باید اصلاح کرد. ۸۴/۳/۵

انقلابی نمایی غیر از انقلابی‌گری است

سیاه‌نمایی هنر نیست؛ اینکه برداریم همین طوری بی‌هوا، این دستگاه را، آن دستگاه را، این قوه را، آن قوه را بدون هیچ تمیزی محکوم کنیم؛ خوب هر کسی، هر بچه‌ای هم می‌تواند سنگ دستش بگیرد و شیشه‌ها را بشکند، اینکه هنر نیست. هنر این است که انسان، منطقی حرف بزند، منصفانه حرف بزند، برای خاطر هوای نفس حرف نزند، برای خاطر جهات شخصی حرف نزند، برای خاطر قدرت یابی حرف نزند، خدا را در نظر داشته باشد؛ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولٌ بدانید خود این حرفی که می‌زنید، در روز قیامت عملی است که مجسم می‌شود در مقابل شما، و خدای متعال مؤاخذه می‌کند، سؤال می‌کند؛ نمی‌شود هر حرفی را انسان به خاطر میل دل خودش بزند. انقلابی نمایی غیر از انقلابی‌گری است؛ انقلابی نمایی [یعنی] آدم جوری عمل کند که کاتنه ما [انقلابی] هستیم؛ انقلابی‌گری کار سختی است؛ پابندی لازم دارد، تدبیر لازم دارد. ۹۶/۱/۶

آمادگی خودتان را برای فتنه حفظ کنید

آن چیزی هم که در این زمینه مخصوص نیروهای مسلح و نیروهای حافظ امنیت است این است که مراقب فتنه باشند. در قرآن یک جامی فرماید: الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ، یک جامی فرماید: الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ؛ «شد» یعنی سخت‌تر، «اکبر» یعنی بزرگ‌تر. کشتار چیز بدی است، نامطلوب است اما فتنه از آن بدتر است. خوب اگر فتنه از قتل بدتر است، پس بایستی نیروهایی که حافظ امنیت هستند آرایش لازم، انظم لازم را برای مقابله با فتنه هم بگیرند، آمادگی‌های خودشان را برای فتنه هم بایستی حفظ بکنند؛ این آن چیزی است که دستگاه‌ها بایستی به آن توجه داشته باشند. ۹۸/۸/۸

اولین توطئه‌های دولت آمریکا علیه ملت ایران در سال‌های نخست انقلاب

دشمنی آمریکا با ما از کجا آغاز شد؟

کودتای ۲۸ مرداد
(۲۸ مرداد ۱۳۳۲)

اختلاف بین ملت ایران و آمریکا از بیست و هشتم مرداد، حتی قبل از بیست و هشتم مرداد شروع شد؛ بیست و هشتم مرداد سال ۳۲ به اوج رسید. آنها بودند که نامردی کردند، خیانت کردند، ملت ایران را با کودتا دچار یک رژیم فاسد وابسته کردند؛ شوخی نیست؛ سال‌های متمادی این کشور زیر فشار رژیم وابسته به آمریکا دست و پا زد... آمریکایی‌ها آمدند وسط میدان و در یک کشور مستقل با یک دولتی که دولت ملی و مردمی هم بود و به آنها اعتماد هم کرده بود - مصدق به آمریکایی‌ها اعتماد کرد و چوبش را خورد - آمدند در یک چنین کشوری کودتا کردند و یک رژیم فاسد خبیث ظالم بی‌رحمی را سر کار آوردند. ۹۸/۸/۱۲

تصویب لایحه کاپیتولاسیون
(۲۱ مهر ۱۳۳۳ / ۱۳/۱۲/۱۳۳۳)

امام عزیز ما، آن مرد یگانه‌ی تاریخ ما، در مقابل طرح کاپیتولاسیون و مصونیت آمریکائی‌ها - که آن روز در ایران همه‌کاره بودند - ایستاد و به خاطر این اعتراض، روز ۱۳ آبان با حال غربت و تنهایی، به وسیله‌ی مزدوران آمریکا از ایران تبعید شد. در آن روز و در این تبعید، هیچ کس در کنار امام نبود. البته دل‌های مردم با امام بود؛ اما امام را از خانه‌اش ربودند و در غربت کامل، او را در روز ۱۳ آبان سال ۴۳ از ایران تبعید کردند. ۹۰/۸/۱۱

«دشمنی آمریکا با ملت ایران» مفهومی است که بیش از ۶۰ سال است که در سپهر سیاسی اجتماعی کشورمان وجود دارد. رهبر انقلاب در دیدار اخیر دانشجویان و دانش‌آموزان، به نسبت تحریف تاریخی درباره‌ی نقطه‌ی آغاز دشمنی آمریکا با ملت ایران اشاره کرده و فرمودند: «بعضی‌ها تاریخ را تحریف می‌کنند؛ خود آمریکایی‌ها این کار را می‌کنند؛ آن سالی که بنده رئیس‌جمهور بودم و رفتم سازمان ملل، یک خبرنگار معروف آن روز آمریکا، در سازمان ملل با بنده مصاحبه کرد و شروع اختلافات بین ایران و آمریکا را از ماجرای سفارت - لانه‌ی جاسوسی - گفت؛ گفت بله، از وقتی که جوان‌های شما رفتند سفارت را گرفتند، بین ایران و آمریکا اختلاف شد؛ این تحریف تاریخ است؛ قضیه این نیست. اختلاف بین ملت ایران و آمریکا از بیست و هشتم مرداد، حتی قبل از بیست و هشتم مرداد شروع شد.» ۹۸/۸/۱۲ به همین مناسبت نشریه‌ی خط حزب‌الله در اطلاع‌نگاشت این هفته، مروری کرده است بر مهم‌ترین مصادیق دشمنی آمریکا با ملت ایران تا پیش از تسخیر لانه‌ی جاسوسی در سیزده آبان ۵۷.

سرکوب اعتراض دانشجویان
به حضور نیکسون (۱۶ آذر ۱۳۳۲)

جالب است توجه کنید که ۱۶ آذر در سال ۳۲ که در آن سه نفر دانشجوی به خاک و خون غلتیدند، تقریباً چهار ماه بعد از ۲۸ مرداد اتفاق افتاده؛ یعنی بعد از کودتای ۲۸ مرداد و آن اختناق عجیب - سرکوب عجیب همه‌ی نیروها و سکوت همه - ناگهان به وسیله‌ی دانشجویان در دانشگاه تهران یک انفجار در فضا و در محیط به وجود می‌آید. چرا؟ چون نیکسون که آن وقت معاون رئیس‌جمهور آمریکا بود، آمد ایران. به عنوان اعتراض به آمریکا، به عنوان اعتراض به نیکسون که عامل کودتای ۲۸ مرداد بودند، این دانشجویان در محیط دانشگاه اعتصاب و تظاهرات می‌کنند، که البته با سرکوب مواجه می‌شوند و سه نفرشان هم کشته می‌شوند. ۸۷/۹/۲۳



﴿۱۹﴾ الحمد لله دل بریدن از بیگانگان موجب شده که به این دستگاه‌ها مراجعه بشود، از این دستگاه‌ها کار خواسته بشود، اینها به حرکت بیفتند و یک جوشش درونی‌ای در کشور بحمدالله به وجود آمده... ۹۸/۴/۲۵ **سوم، «کار جهادی و اصلاح ساختارهای معیوب: «کار جهادی ضد تنبلی است، ضد بی تفاوتی است، ضد امروز را به فردا انداختن است. ما با بعضی از بخش‌های گوناگون مواجه می‌شویم که یک کاری را بنا است انجام بدهند، تصدیق هم می‌کنند، تأیید هم می‌کنند، حتی استقبال هم می‌کنند اما امروز که باید انجام بدهند، به فردا می‌اندازند که فردا هم باز یک فردای دیگری دارد؛ بنده گاهی به آنها می‌گویم، تذکر می‌دهم که فلان مطلبی را که ما شش ماه قبل گفتیم، شما هم به فلان مأموران دستور کتبی دادید، او هم مثلاً به یکی دیگر توصیه کرده ایشانش ماه گذشته، هیچ کار کتی انجام نگرفته؛ به خاطر این است که کار را جهادی دنبال نمی‌کنند؛ کار جهادی، کار را در همه‌ی عرصه‌ها جهادی دنبال کنید. ۹۸/۷/۱۰**

چهارم، «قطع امید از بیگانه»: کشور را معطل گذاشتن و به انتظار رویای کمک «بیگانه»، یا بهتر بگویم «دشمن» نشستن، همان خطایی است که مصدق کرد و نتیجه‌اش را هم دید. «به انتظار دیگران و خارجی‌ها نمی‌شود ماندن برای رفع مشکلات کشور، بلکه این انتظار ضربه می‌زند به پیشرفت اقتصادی کشور. یک مدتی منتظر بمانیم به خاطر پر جام؛ یک مدتی منتظر بمانیم به خاطر اینکه ببینیم آیا رئیس‌جمهور آمریکان مهلت سه ماهه سه‌ماهه را که در قرارداد پر جام متأسفانه گذاشتند - و پور - تمدید می‌کند یا نه؛ یعنی آیا ویور رئیس‌جمهور آمریکا تمدید می‌شود یا نمی‌شود؛ یک مدتی معطل بمانیم برای اینکه ببینیم برنامه‌ی فرانسوی‌ها و رئیس‌جمهور فرانسه [چه می‌شود]، خوب همه‌اش شد انتظار؛ در حال وجود انتظار، سرمایه‌گذار اقتصادی سرمایه‌گذاری نمی‌کند، تکلیفش معلوم نیست، فعال اقتصادی تکلیفش معلوم نیست، خود این انتظار کشور را به رکود و عقب‌ماندگی می‌کشاند. چقدر انتظار بکشیم؟ رها کنید... ۹۸/۸/۱۲

پنجم، «جلوگیری از واردات کالاها مشابه»: یکی از راه‌های رونق تولید جلوگیری از واردات کالاها تولید داخل است. چرا جلوگیری نمی‌کنند؟ من سؤال جدی دارم از مسئولین محترم؛ نگذارید. کسانی هستند که با واردات تنفس می‌کنند، حیاتشان، ثروت با آورده‌شان، امکاناتشان بستگی دارد به واردات؛ لذا نمی‌گذارند جلوی واردات زائد و بی‌رویه گرفته بشود؛ اینها مقدمند یا آن جوان بیکار مقدم است؟ جوان بیکار کشور با واردات بی‌رویه که تولید داخلی را به شکست می‌کشاند، بیکار می‌ماند. علاج قطعی همین است که ما بتوانیم این برنامه‌های درست و این سیاستهای را که ابلاغ شده است، به مسئولین محترم - چه به دولت، چه به مجلس - برنامه‌ریزی کنیم و عملیاتی کنیم و تحقق ببخشیم؛ این راه برون‌رفت کشور از مشکلات است. ۹۸/۸/۱۲ ●

تحریریه قومیت‌ها برای جدایی طلبی (۱۳۵۷-۱۳۵۸)

اولین کاری که از طرف آمریکائی‌ها [بعد از پیروزی انقلاب] انجام گرفت، تحریک مخالفین پراکنده‌ی جمهوری اسلامی و کمک به حرکت‌های تجزیه طلب و تروریستی در کشور بود؛ از اول این کار را شروع کردند. در هر نقطه‌ای از نقاط کشور که حرکت‌های تجزیه طلب در آنجا زمینه‌ای داشت، انگشت آمریکائی‌ها را ما دیدیم؛ گاهی پول آن‌ها را، و حتی در مواردی عناصر آمریکائی را ما در آنجا دیدیم؛ این برای مردم ما خسارت زیادی داشت. متأسفانه این کار هنوز هم ادامه دارد. ۸۸/۱/۱



تبدیل سفارت خانه به مرکز جاسوسی و توطئه (دهه ۴۰ و ۵۰)

اولین حکومتی و دولتی که با این حرکت مردم بجد شروع کرد مخالفت کردن، آمریکا بود... خوب، عکس‌العمل و واکنش به این حرکت، حرکت دانشجویان بود؛ رفتند سفارت آمریکا را گرفتند، معلوم شد اینجا لانه‌ی جاسوسی است، معلوم شد در طول این چند ماه بعد از پیروزی انقلاب، در این مدت، اینجا مرکز توطئه علیه انقلاب بوده است؛ این را اسناد منتشر شده‌ی بعدی از داخل سفارت آمریکا نشان داد و ثابت کرد. جوان‌های عزیز! اسناد لانه‌ی جاسوسی را بگیرید بخوانید، درس آموز است... اینها نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها چه در هنگام اوج نهضت، چه در هنگامی که نهضت و انقلاب پیروز شده است و جمهوری اسلامی تشکیل شده است، دائم در حال توطئه علیه نظام اسلامی بوده‌اند؛ آمریکا این است. ۹۴/۸/۱۲

تلاش برای به ثمر نرسیدن انقلاب اسلامی (۸ بهمن ۱۳۵۷)

در هشتم بهمن [۵۷]، یعنی چند روز قبل از ورود امام به داخل کشور، در همین خیابان‌های تهران، همین خیابان انقلاب، مردم اجتماع کرده بودند؛ ژنرال‌هایز که فرستاده‌ی آمریکا بود و به ایران آمد برای اینکه شاید بتواند یک جوری از دست انقلاب رژیم را نجات بدهد و حفظ بکند، او در خاطرات خودش می‌نویسد: «این اسناد تاریخی است - و می‌گوید من به ژنرال قره‌باغی گفتم که در مواجهه‌ی با مردم لوله‌ی تفنگ‌هایتان را پایین بیاورید؛ یعنی مردم را بکشید، تیر هوایی بی‌خودی در نکنید، مردم را قتل عام نکنید. اینها هم همین کار را کردند، لوله‌ی تفنگ‌ها را پایین آوردند، عذای جوان و نوجوان کشته شدند ولی جمعیت عقب نرفت. هایزر می‌گوید: قره‌باغی بعد آمده به من گفت که این تدبیر تو فایده‌ای نکرد، مردم عقب نرفتند، آن وقت هایزر می‌گوید من دیدم این ژنرال‌های شاه چقدر کودکانه فکر می‌کنند؛ یعنی باید ادامه می‌دادند، باید مرتب می‌کشند. ۹۴/۸/۱۲



صدور قطعنامه علیه ایران و پناه دادن به شاه (۱۳۵۸)

در اولین ماه‌های پیروزی انقلاب، مجلس سنای آمریکا یک مصوبه و قطعنامه‌ی شدیدالحنی علیه جمهوری اسلامی ایران صادر کرد، دشمنی را به‌طور عملی شروع کرد؛ این در حالی بود که هنوز سفارت آمریکا در ایران باز بود! آن کسانی که خیال می‌کنند رابطه‌ی با آمریکا، دوستی با آمریکا موجب می‌شود که انسان از آسیب آمریکا محفوظ بماند، به این تجربه‌ی تاریخی مراجعه کنند؛ هنوز سفارت آمریکا در ایران بود، آمریکایی‌ها راحت در داخل کشور رفت و آمد می‌کردند، انقلاب موجب نشده بود که آمریکایی‌ها از ایران بیرون کنند؛ مثل بقیه‌ی دولت‌ها سفارت داشتند، مأمورین داشتند، در اینجا داشتند زندگی می‌کردند؛ در همان هنگام دولت آمریکا دشمنی خودش را با انقلاب نشان داد. علاوه‌ی بر این، محمدرضا را که یک دشمن قطعی ملت ایران بود، در آمریکا میهمان خودش کرد، او را بردند در آمریکانگه داشتند، در واقع پناه دادند به دشمن ملت ایران. ۹۲/۸/۱۲

تا آنجا که خود کفا شود و روی پای خود بایستد. ملت اسلامی ما باید به قدرت الهی خود اتکا کند. ۵۹/۲/۱۰

بخواهد پیروز شود باید دست از آستین برآرد و به کار بپردازد. از متن دانشگاه‌ها تا بازارها و کارخانه‌ها و مزارع و باغستان‌ها

باید به قدرت الهی خود اتکا کنیم
ملت شریف ما اگر در این انقلاب



خاطرات رهبری

سکوت علما چه دلیلی دارد؟

سال ۱۳۴۶ فرار سید. با خود گفتم تعقیب اکنون از شدت افتاده، پس به مشهد بروم، ولی در اماکن عمومی ظاهر نشوم. به مشهد باز گشتم. اما کسی مانند من نمی‌تواند در حاشیه بماند و به آنچه در جامعه می‌گذرد، بی‌اعتنا باشد. نزد آقایان میلانی و قمی می‌رفتم، راجع به انحرافات موجود در جامعه با آنها صحبت می‌کردم؛ از موضع تعقیب و تخطئه، می‌پرسیدم که سکوت علما چه دلیلی دارد؟ و در جهت موضع‌گیری قاطعانه در برابر رژیم فاسد، آنها را ترغیب می‌کردم. ظاهر این سخنان من، موبه موبه ساواک منتقل شده بود؛ من این را پس از بازداشت فهمیدم. لابد در بین اطرافیان این دو شخصیت، کسانی بوده‌اند که مطالب را منتقل می‌کردند.

خون دلی که لعل شد

مسئله روز

اگر مسئولین جمهوری اسلامی ساده‌لوحی می‌کردند...

بعضی خیال می‌کنند که مذاکره با آمریکا مشکلات کشور را حل می‌کند؛ این اشتباه بزرگی است، صدرصد اشتباه می‌کنند. طرف مقابل، نشستن ما پشت میز مذاکره و قبول مذاکره از سوی ایران را به معنای به زانو درآوردن جمهوری اسلامی می‌داند؛ می‌خواهد بگوید که ما بالاخره با فشار اقتصادی، با تحریم‌های شدید توانستیم ایران را به زانو در بیاوریم تا بیاورد با ما بنشیند پشت میز مذاکره. می‌خواهد این را به دنیا تفهیم بکند، می‌خواهد اثبات کند که سیاست «فشار حداکثری» یک سیاست درستی است و این سیاست اثر کرد، جمهوری اسلامی را بالاخره آورد پای میز مذاکره نشاند؛ بعد هم هیچ امتیازی نخواهد داد؛ این را من به شما عرض می‌کنم. قطعاً و یقیناً اگر چنانچه مسئولین جمهوری اسلامی ساده‌لوحی می‌کردند و می‌رفتند می‌نشستند که با مسئولین آمریکایی مذاکره کنند، هیچ چیز گیرشان نمی‌آمد؛ نه از تحریم‌ها کم می‌شد، نه از فشارها کم می‌شد. ۹۸/۸/۱۲



حضور آیت‌الله خامنه‌ای در کتابخانه آستان قدس رضوی، اوایل دهه ۶۰

انتشار به مناسبت روز کتاب و کتابخوانی

کتاب‌های خوب را به جوانان معرفی کنید

قبل‌ها در دوران مبارزات، خود من این کار معرفی کتاب‌های خوب به جوانان را می‌کردم؛ یعنی اصلاً کتاب‌هایی را می‌خواندم، به قصد این که ببینم به درد چه کسی می‌خورد، یا کجاها بیش به درد چه کسانی می‌خورد و یادداشت می‌کردم. جوانانی که با من رفت و آمد داشتند - عمدتاً در مشهد، یا در دوره‌ای که مشهد نبودم؛ تبعید بودم - من اسم می‌دادم که این کتاب‌ها را بخوانید؛ این کتاب‌ها هم متنوع بود. الان هم می‌شود این کار را کرد و مجموعه‌ای را در نظر گرفت.

خانواده ایرانی

تحدید نسل را جدی بگیرید

سیاستی وجود دارد که این نعمت را از ملت ایران سلب کند؛ نعمت وجود جوانان انبوه و فراوان را. نتیجه‌ی این مسئله‌ی تحدید نسل، ده سال دیگر، پانزده سال دیگر این خواهد بود که شما دیگر کشور را متراکم از نسل جوان مشاهده نخواهید کرد؛ و اینکه بنده این همه تکرار می‌کنم، تأکید می‌کنم، هشدار می‌دهم، به خاطر این است. بعضی از خطرات و اقدامات خطرناک هست که اثر آن بعد از ده سال، بیست سال ظاهر خواهد شد، آن وقتی که دیگر کاری هم نمی‌شود کرد البته مسئولین محترم به بنده قول داده‌اند که با جدیت این مسئله را دنبال کنند، مشکلات را برطرف کنند، که ان‌شاءالله همین کار را هم باید بکنند و خواهند کرد؛ اما هم [تعقیب می‌کنیم موضوع را]. ۹۸/۸/۱۲

حزب‌الله این است

صراط مستقیم خودتان را نگه دارید

که در خط مسائل حقیر مادی و مواد مخدر و مانند اینها است که خب توقعی نیست؛ آن جوان پُرانگیز، آن جوان با احساس، آن جوانی که احساس مسئولیت می‌کند - یعنی شماها، یعنی مجموعه‌ی جوان متدین کشور - اینها هستند که آینده را خواهند ساخت. ۹۸/۸/۱۲

وجود شما عزیزان برای کشور یک نعمت است؛ در خط مستقیم، صراط مستقیم خودتان را حفظ کنید، نگه دارید. این کشور به شما احتیاج دارد؛ به معنای واقعی کلمه احتیاج دارد. باید شما بسازید این کشور را؛ شما باید پیش‌بیر این کشور را؛ نسل جوان باید این کار را بکند. البته از آن جوانی

درس اخلاق

فضای جامعه را فضای مهربانی و حسن ظن قرار بدهیم

به اخلاق خودمان هم برسیم. اخلاق اهمیتش از عمل هم بیشتر است. فضای جامعه را فضای برادری، مهربانی، حسن ظن قرار بدهیم. من هیچ موافق نیستیم با اینکه فضای جامعه را فضای سوءظن و فضای بدگمانی قرار بدهیم. این عادات را از خودمان باید دور کنیم. اینکه متأسفانه باب شده که روزنامه و رسانه و دستگاه‌های گوناگون ارتباطی - که امروز روز به روز هم بیشتر و گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شود - روشی را در پیش گرفته‌اند برای متهم کردن یکدیگر، این چیز خوبی نیست، دل ما را تاریک می‌کند، فضای زندگی ما را ظلمانی می‌کند. هیچ منافات ندارد که گنهکار بتوان گناه خودش را ببیند، اما فضا، فضای اشاعی گناه نباشد؛ تهمت زدن، دیگران را متهم کردن به شایعات، به خیالات. ۸۸/۶/۲۹

انسان ۲۵۰ ساله

انتشار به مناسبت

شهادت حضرت امام حسن عسکری (ع)

فقط بیست و هشت سال!

امامی که موافقان، شیعیان، مخالفان، غیرمعتقدان، همه، شهادت دادند و اعتراف کردند به فضل او، به علم او، به تقوای او، به طهارت او، به عصمت او، به شجاعت او در مقابل دشمنان، به صبر و استقامت او در برابر سختی‌ها، این انسان بزرگ، این شخصیت باشکوه، وقتی به شهادت رسید، فقط بیست و هشت سال داشت. در تاریخ پرافتخار شیعه، این نمونه‌ها را کم نداریم. پدر امام زمان عزیز ما با آن همه فضیلت، با آن همه مقامات، با آن همه کرامات، وقتی با سم و جنایت دشمنان از دنیا رفت، فقط بیست و هشت سال داشت؛ این می‌شود الگو؛ جوان احساس می‌کند یک نمونه‌ی عالی در مقابل چشم دارد. آن امام بزرگوار، جواد الائمه (علیه‌السلام) است که در بیست و پنج سالگی شهید شده است؛ این امام عسکری (علیه‌الصلاة و السلام) است که در بیست و هشت سالگی به شهادت رسیده است. ۹۰/۱۲/۱۰